

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

۱۱ جولای ۲۰۱۲

مبارزات مردم بحرین و ارتجاع عربستان سعودی

کشور بحرین روزگاری استان چهاردهم ایران محسوب می شد. محمد رضا شاه این استان چهاردهم را زمانی که امپریالیست فرتوت انگلستان پایگاههای خویش را در خلیج فارس ترک می کرد و آنها را در اختیار امپریالیست امریکا می گذارد، با رضایت از ایران جدا ساخت. البته ظاهر قضیه این بود که مردم بحرین در یک همه پرسی آزاد تحت رهبری سازمان ملل متحد، به این جدائی تن در داده اند، ولی حقیقت این بود که شاه در قبل از همه پرسی در بحرین، جدائی آن را از ایران وجه مطلوب خود عنوان کرد و کوچکترین تلاش و مقاومتی در مقابل خواست امپریالیست انگلستان و عربستان سعودی انجام نداد تا از حقوق تاریخی ایران دفاع کند. وی نوکر و گماشته امپریالیست بود و جز این نمی شد از وی انتظاری داشت.

شاه نظم نوینی را که امپریالیستها در منطقه مستقر ساختند و امارات متحده عربی را اختراع کردند، از جان و دل پذیرفته بود. امپریالیست امریکا به شاه ایران مدال افتخار "ژاندارم خلیج فارس" را بخشید تا جنبشهای رهائی بخش و دموکراتیک را در منطقه سرکوب کند. شاه به عامل فعال و سرکوبگر منطقه به نیابت امپریالیست امریکا با مالیات مردم ایران، بدل شد و به همین جهت نیز به شدت مورد نفرت همه خلقهای منطقه قرار داشت.

حکام بحرین از کشش مردم بحرین به ایران همواره خبر داشتند. این کشش تنها جنبه تاریخی نداشته، جنبه مذهبی نیز دارد. اکثریت مردم بحرین که شیعه مذهب هستند توسط یک اقلیت سنی ارتجاعی و همدست عربستان سعودی سرکوب می شوند. حکومت بحرین اساساً شیعیان را کافر و مرتد می داند و معذالک خلافت خویش را نتیجه بیعت مردم جلوه می دهد.

با پیروزی انقلاب در ایران و سرنگونی رژیم شاهنشاهی و پیروزی آخوندها و اعلام یک جمهوری اسلامی، ایران عملاً به قطبی مذهبی در منطقه از لبنان تا عربستان سعودی بدل شد. رشد مبارزات دموکراتیک در ممالک عربی بحرین را نیز متلاطم کرد و مردم بحرین که به شدت از جانب آل خلیفه مورد سرکوب و ستم قرار می گیرند خواهان اصلاحات در بحرین شدند. خلافت بحرین نه تنها به این اصلاحات تن در نداد بلکه بسیاری از دستاوردهای خلق بحرین را که از گذشته به دست آورده بود، باز پس گرفت و به قتل و کشتار مردم متوسل شد. مردم بحرین ولی به مقاومت خویش ادامه دادند، به طوری که ارتجاع منطقه به رهبری عربستان سعودی و حمایت ممالک امارات

متحدہ عربی و کویت به بحرین لشگر کشیدند و مردم را به گلوله بستند. بحرین به کشور اشغالی در منطقه بدل شد. هنوز ارتش عربستان سعودی و متحدینش ساکن بحرین هستند و رژیم دست نشانده خود را در آنجا حفظ می کنند. این کار عربستان سعودی تجاوز به یک کشور محسوب می شود و باید از جانب سازمان ملل متحد محکوم گردد. این کار عربستان سعودی نقض آشکار حقوق بشر و حقوق ملل است. ولی شما می بینید که کوچکترین اعتراض و اتفاقی در جهان نمی افتد. نه سازمان ملل خونسردی خود را از دست می دهد و نه وزیر امور خارجه آمریکا از اپوزیسیون بحرین به حمایت بر می خیزد و نه سازمانهای حقوق بشر فعال می شوند. تنها سازمانهای ایرانی خود فروخته فعالند تا با جنجال بر سر دخالت بی شرمانه در سوریه که مملو از اکاذیب امپریالیستهاست، مسأله بحرین و اشغال آنجا و مبارزه مردم را که هنوز ادامه دارد، تحت الشعاع قرار دهند. همین نمونه ساده بحرین به ما می آموزد که حربه حقوق بشر یک حربه سیاسی برای شست و شوی مغزی است و فریب افکار عمومی است. از این حربه امپریالیستها به اساس منافع سیاسی خود استفاده می کنند. آنها ریاکار و غیر قابل اعتماداند. عبدالهادی الخواجه مؤسس مرکز حقوق بشر بحرین با شرکت در نمایشات اعتراضی به حبس ابد محکوم شده است و در حال اعتصاب غذا به سر می برد. در حالی که خانم آنگ سان سوکی، رهبر اپوزیسیون مطلوب آمریکا در میانمار، جایزه صلح دریافت می کند و نامش مرتب در مطبوعات جهان منتشر می شود و وقت بسیاری از برنامه های اخبار را در جهان می گیرد، از آقای عبدالهادی الخواجه که وضعیتش به مراتب نامناسبتر از خانم سان سوکی است کسی خبر نمی دهد. ارزش بشرها بر اساس منافع امپریالیسم تعیین می شوند.

همین نمونه بحرین نشان می دهد که تجاوز به حقوق ملل از جانب ارتجاع و امپریالیست امری پذیرفته شده است و مقررات و موازین سازمان ملل و منشور آن پیشیزی برای آنها ارزش ندارد. برای امپریالیست امریکا مهم است، که بحرین پایگاه دریائی پنجم امریکا می باشد، تا از آنجا به نظارت بر منطقه، انتقال نفت از تنگه هرمز و تجارت و کشتیرانی را حراست بنماید. پایگاه دریائی امریکا برای تأمین منافع حیاتی این امپریالیست در منطقه است. تغییر رژیم بحرین می تواند ضربه سختی به امریکا باشد، این است که آنها طالب یک رژیم سرکوبگر، زن ستیز، عقبگرا، مرتجع، ضد دموکرات و اسلام و هابیستی در بحرین هستند. حتی رژیم مرتجع بحرین حاضر نشد، به سخنان و پیشنهادات اپوزیسیون بحرین که طالب یک نظام سلطنتی مشروطه با پادشاهی آل خلیفه هستند، تن در دهد. رژیم آل خلیفه به قدری ارتجاعی و عقبگرا است که استقرار یک رژیم سلطنتی مشروطه در بحرین، گام بزرگی به پیش محسوب می شود و بسیاری از سدهای پیشرفت جامعه بحرین را از میان بر می دارد. عربستان سعودی از قدرت گرفتن شیعیان در منطقه می هراسد. آنها از پیوندهای شیعیان ایران و بحرین و به ویژه بحرین با شیعیان عربستان سعودی که در مناطق نفت خیز آن کشور ساکنند، با خبرند. بنای پلی میان بحرین و عربستان سعودی در عین این که در مواقع "خطر" راه تجاوز ارتش عربستان سعودی را به بحرین باز می گذارد که گذارد و وابستگی سیاسی آنها را به عربستان سعودی افزایش می دهد، در عین حال رابطه مردم دو کشور را نیز تسهیل می کند و پیوند میانشان را افزایش می دهد.

علی رغم تجاوز عربستان سعودی و شیوخ ارتجاعی منطقه به بحرین، علی رغم سرکوب مردم بحرین و سکوت بی شرمانه ریاکاران امپریالیست و همدستان ایرانی آنها، مبارزه مردم بحرین ادامه دارد و پایان یافتنی نیست. اخیراً در بحرین مسابقات ماشین رانی فرمول یک برگزار شده است. گفته می شود که این مسابقات ۱۵۰ میلیون دلار خرج برداشته است تا افکار عمومی جهان را از مسأله اختناق و آدمکشی در بحرین منحرف کند. سیاستمداران غرب یک صدا مخالفت خود را با دخالت دادن سیاست در ورزش اعلام داشتند و خواهان برگزاری فرمول یک در

بحرین شدند. این سیاست بی طرفی در ورزش به موقعیت آنها در اجرای سیاستشان که حمایت از ارتجاع عربان است یاری می رساند. ولی همین سیاستمداران در مورد اوکرائین و حمایت از خانم یولیا تیموشنکو که شارلاتانی مافیائی و کلاهبرداری بی سابقه بوده و خود را به تمارض می زند، فریادشان از پیوند سیاست با ورزش به هواس و می خواهند مسابقات فوتبال در اوکرائین را تحریم کنند. خواست آنها نیز بی شرمانه است و از دولت مستقل اوکرائین می طلبند که خانم تیموشنکو را که تمارض می کند، برای درمان از زندان در آورده و به بیمارستانی در برلن منتقل کند. آنها با همه شگردهای "انسانی" و "بشردوستانه" در پی نقض حق حاکمیت ملی اوکرائین هستند. این نمونه های روشنی از برخورد ریاکارانه آنها به مسأله بحرین و مبارزات مردم آنجاست. امپریالیسم رسانه ای حتی اخبار مربوط به این مبارزات را نیز پخش نمی کنند.

دولت آقای اوباما دستور داده است که به دولت بحرین اسلحه فروخته شود. این سلاحها به صورت رسمی در اختیار نیروی دریائی و گارد ملی بحرین قرار می گیرند.

در اواخر ماه اردیبهشت [ثور] امسال شورای همکاری خلیج فارس در پی اتحاد سیاسی بحرین و عربستان سعودی بر آمد. این تصمیم به معنی الحاق بحرین به عربستان سعودی است، زیرا از این بیعد سرنوشت سیاسی بحرین در دست عربستان سعودی قرار می گیرد و این امر نقش قطعی دارد. سمیره رجب وزیر امور اطلاع رسانی دولت بحرین در توضیح مسخره خود در مورد انضمام بحرین به عربستان سعودی تحت نام اتحاد سیاسی گفت: "کشورها، حاکمیت ملی خود را از دست نمی دهند و هر کدام به طور جداگانه عضو سازمان ملل متحد باقی خواهند ماند. اتحاد بر سر روابط خارجی، امنیتی، نظامی و اقتصادی صورت می گیرد". به اعتراف این آقا همه روابط مهم اعم از خارجی، امنیتی، نظامی و اقتصادی بحرین تابع تصمیمات عربستان سعودی می شود و عملاً از این بیعد عربستان سعودی در سازمان ملل دارای دو رأی خواهد بود. عضویت صوری در سازمان ملل، حتماً نشانه استقلال و دارا بودن حق حاکمیت ملی نیست. دولت دست نشانده کرسی نیز در سازمان ملل دارای حق رأی است، در حالی که کشورش اشغالی و خودش نوکر امریکاست و بود و نبودش به حضور نیروهای تجاوزگر در افغانستان وابسته است.

اشغال بحرین و منضم کردن آن به خاک عربستان سعودی که مورد اعتراض جهان نیست، عرصه جدیدی از مبارزه را در منطقه خلیج فارس گشوده است. عربستان سعودی به اسرائیل دوم تبدیل می شود. تا مردم این ممالک برای خواستهای خود مبارزه می کنند، نه اسرائیل و نه عربستان سعودی موفق به استحکام قدرت خویش نخواهند شد. این اقدامات سرآغاز سقوط عربستان سعودی است که ارکان بارگاهش می لرزد.

بر گرفته از توفان شماره ۱۴۸ تیر ماه | سرطان | ۱۳۹۱ ماه جولای ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کارایران
www.toufan.org صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.
toufan@toufan.org نشانی پست الکترونیکی (ایمیل).